

دشمن‌شناسی و دشمن‌ستیزی از دیدگاه امام خمینی (ره)

محمدجواد سلمانپور

عضو هیات علمی دانشگاه شیراز

چکیده

یکی از ویژگی‌های برجسته امام خمینی (رحمة الله علیه) برخورداری از بینش عمیق نسبت به دشمن و شگردهای آن و توصیه مردم به هوشیاری در برابر توطئه‌هاست. انقلاب اسلامی به دلیل ماهیت استکبارستیزی خود و آسیب‌رسانی جدی به منافع آمریکا در ایران و منطقه، مورد دشمنی آمریکا قرار گرفته است. ملت مسلمانان ایران با درک عمیق این خصومت توانسته است نقشه‌های شوم آمریکا را در هر مرحله با شکست فرین سازد لذا هرگونه سعی و تلاش در جهت تخریب این باور، راه نفوذ دشمن را هموار می‌سازد و در جهت تهدید امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ارزیابی می‌شود. این مقاله به مقوله مهم دشمن‌شناسی از دیدگاه امام خمینی (رحمة الله علیه) می‌پردازد. بررسی اهداف بلندمدت امام در راستای عزت مسلمین جهان نشان می‌دهد که دشمنی استکبار جهانی دقیقاً ناشی از ضربات مهلکی است که از انقلاب اسلامی دریافت کرده است.

دعوت مردم به دشمن‌شناسی، معرفی چهره واقعی دشمن و استراتژی آن و بررسی اصول و مبانی امام خمینی (رحمة الله علیه) در مبارزه با دشمن از مباحث مهم این مقاله است.

یکی از ضعفهای اساسی عامه مسلمین از صدر اسلام بویژه زمان حکومت امیرالمؤمنین (علیه السلام) تا کنون، نشناختن دشمن یا ضعف در دشمن شناسی بوده است. همین امر موجب شکست و از دست دادن حکومت و عملی نشدن بسیاری از احکام اسلام بوده و هست.

اهمیت دشمن شناسی در تعالیم اسلامی آنقدر است که قرآن کریم در آیات متعددی^(۱) به تعبیرهای مختلف به این موضوع پرداخته است. سخنان معصومین (علیهم السلام) خصوصاً پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و علی (علیه السلام) مملو از بحث دشمن شناسی و هشدار نسبت به خطرات آنان است. از همین رو امام خمینی آن را یک تکلیف شرعی^(۲) می داند و همواره بر آن تأکید می کند.

عامه مردم ایران حتی قشر روشنفکر، دانشجویان و جوانان ما از این ضعف و نقص نیز مبرا نیستند؛ خصوصاً در درجه بندی دشمنان و اولویت بندی در رویارویی و درک اهداف، ماهیت و روشهای آنان دچار نوعی ناتوانی اساسی بوده و هستند. اگرچه خصلت حقگرایی مردم ایران همواره موجب شده است که گاهی پس از تحمل خسارت سنگینی بالاخره دشمن را بشناسد.

امام (رحمة الله علیه) به این مسأله مهم و حیاتی اسلام و انقلاب و ایران توجه و عنایت خاصی داشته اند. از همان سالهای نخست مبارزه (سال ۴۰) تا لحظه وفات به مقوله دشمن شناسی و دشمن ستیزی اشاره داشته اند؛ به گونه ای که کمتر سخنرانی و پیامی از ایشان می یابیم که اشاره ای به ابعاد مختلف این موضوع نکرده باشد.

اهداف و استراتژی امام

بدون تردید اهداف و استراتژی امام، که همان اهداف انبیا و خصوصاً رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) است، بطور طبیعی و قهری دشمنان زیادی برای خود می سازد که این امر اجتناب ناپذیر است. چنانچه هم اکنون ما همان اهداف، اصول و استراتژی امام را دنبال کنیم، باز هم با همان دشمنان زیاد داخل و خارج روبه رو

خواهیم بود. افزون بر اینکه اگر از راه امام هم دست بکشیم، باز از دشمنی ابرقدرتها و ایادی داخلی آنها به دلیل کینه و عقده‌های ناشی از انقلاب اسلامی، امام خمینی و موجی که به این وسیله در دنیا ایجاد شده و از دست ملت ایران هم خارج است، آسوده نخواهیم بود.

ذیلاً به برخی از اهداف و استراتژی امام اشاره می‌شود که هر یک از آنها بتنهایی ما را با دشمنان زیادی روبه‌رو می‌سازد:

- ۱- حفظ ممالک اسلامی و اسلام
- ۲- اعتلای کلمه‌الله در کل دنیا^(۳)
- ۳- شناسایی اسلام به جهانیان^(۴)
- ۴- وحدت مسلمین و اتحاد ممالک اسلامی^(۵)
- ۵- دستیابی اسلام و مسلمین به بالاترین قدرت در دنیا و آزادی انرژی متراکم جهان اسلام^(۶)
- ۶- تشکیل حرب مستضعفین
- ۷- صدور انقلاب اسلامی و معنویت آن
- ۸- شکست و نابودی ابرقدرتها بویژه محدود کردن قدرت آمریکا و سلب حق^(۷) و تو
- ۹- نابودی اسرائیل

در اینجا برخی از بیانات امام درباره موضوعات مزبور اشاره می‌شود:

- حفظ اسلام، حکومت اسلامی ایران به عنوان یک امانت و ایجاد مقتضیات بقای آن و رفع موانع و مشکلات، امری واجب است عموماً بر جمیع مسلمانان و خصوصاً بر ملت ایران.^(۸)
- برقراری حکومت اسلامی در ایران عامل شناسایی اسلام به جهانیان است.^(۹)
- اتصال قطرات اجتماع مسلمین، پیدایش قدرت واحدی برای نابودی ابرقدرتهاست.^(۱۰)
- اتحاد ممالک اسلامی سرّ شکست ابرقدرتها و صدور انقلاب است.^(۱۱)
- من امیدوارم که همه ملت‌های اسلامی و همه دولت‌های اسلامی به خود آیند... و تحت لوای اسلام و قرآن مجتمع شوند و در این اجتماع، قدرتی مافوق قدرتهای موجود در عالم را به دست آورند.^(۱۲)
- ما تصمیم به آزادسازی انرژی متراکم جهان اسلام داشته و داریم و به باری خداوند بزرگ و با دست فرزندان قرآن روزی این کار صورت خواهد گرفت.^(۱۳)
- ما می‌خواهیم معنویت انقلاب اسلامیمان را به جهان صادر کنیم.^(۱۴)

من امیدوارم که یک حزب به اسم حزب مستضعفین در تمام دنیا به وجود آید و همه مستضعفین با هم در این حزب شرکت کنند و مشکلاتی که سر راه مستضعفین است از میان بردارند و قیام در مقابل مستکبرین و جهانلگران شرق و غرب کنند. (۱۵)

تأکید و دعوت امام به دشمن شناسی

امام عدم شناخت و درک ماهیت دشمن توسط مستضعفین، مسلمین دنیا، ملت ایران، قشر روشنفکر و جوانان را یکی از بزرگترین آفتها و موانع رسیدن به اهداف متعالی اسلام و انقلاب اسلامی می دانستند؛ لذا علاوه بر معرفی دشمنان در هر مرحله از انقلاب و افشای ماهیت آنان بر دشمن شناسی و درک ماهیت و نقشه ها و توطئه های آنان تأکید فراوانی داشتند و دائماً نسبت به آن هشدار می دادند و بر موارد زیر در مقوله دشمن شناسی پافشاری می کردند:

- ۱- شناخت و شناسایی دشمن
- ۲- شناخت علائم و نشانه های دشمن
- ۳- شناخت نقشه ها و توطئه های دشمن
- ۴- درک طریق خنثی کردن و رویارویی با نقشه ها و توطئه های دشمن
- ۵- شناخت نفوذیها، منافقان و دشمنان دوست نما
- ۶- آگاه سازی و افشای ماهیت و نقشه های دشمنان برای دیگران
- ۷- نشان دادن دشمن و ارائه مصادیق، نقشه ها و افشای ماهیت آنان؛ توسط خودشان که بحث بعدی است.

توصیه اینجانب آن است که نسل حاضر و آینده غفلت نکنند. دانشگاهیان و جوانان برومند هر چه بیشتر با روحانیون و طلاب علوم اسلامی پیوند دوستی و تفاهم را محکمتر و استوارتر نمایند و از نقشه ها و توطئه های دشمن غدار غافل نباشند. (۱۶)

هر قشر محترم که مغز متفکر جامعه هستند باید مواظب باشند باید هوشیار و بیدار و مراقب باشند که سیاست بازان پیوسته به غرب و شرق با وسوسه های شیطانی شما را به سوی این جهانلگران بین المللی نکشند. (۱۷)

باید هوشیار باشیم و از دشمن هر چند ضعیف باشد احتراز کنیم و توطئه دشمن را خنثی کنیم. (۱۸)

با بیداری باید جلوی دشمن را هر چند هم که کم باشد بگیریم. (۱۹) در برابر نقشه های اجانب

بیدار باشید. (۲۰)

بیدار باشید که مفسده‌جوها در کمین‌اند. (۲۱) بکوشید در شناسایی چهره واقعی خرابکاران و آگاه سازید جوانان را. (۲۲)

در برابر نقشه‌های اجانب بیدار باشید. (۲۳) سران، روشنفکران، علمای هر بلاد و کشور باید توجه بکنند به اینکه دشمن چه کسی است و دوست کیست. (۲۴) علامت اینکه شما شناسید اینها دشمنند یا دوست این است که ببینید اینها جمهوری می‌خواهند یا جمهوری دموکراتیک و با از اسلام و خدا حرف نزدند، دشمنند. (۲۵)

اشخاصی که بر ضد اسلام بر ضد روحانیت قلم دست می‌گیرند، شناسید اینها دشمنند. (۲۶)
برای پرهیز از اطالۀ کلام علاقه‌مندان می‌توانند به صحیفه نور مراجعه کنند. (۲۷)

افشا و معرفی دشمن

امام (رحمة الله علیه) در هر مقطع از مبارزه، چه قبل از پیروزی انقلاب و چه بعد از آن، دشمنان ریز و درشت، آشکار و پنهان، داخلی و خارجی را زیر ذره‌بین خود داشتند و مورد شناسایی قرار می‌دادند و در مواقع مناسب و لازم به معرفی و افشای آنان برای دیگران می‌پرداختند که این یکی از رمزهای موفقیت امام و از جمله نکات برجسته رهبری ایشان بود.

شیوه امام در شناخت دشمن و چگونگی معرفی و افشای آنان منحصر به فرد و بسیار دقیق و حساب‌شده بود که بطور مستقل قابل تحقیق و مطالعه است. ایشان گاهی هم قشرهای خاصی از مردم را مخاطب قرار می‌دادند و از سوی دیگر به تقسیم‌بندی دشمن می‌پرداختند و بر حسب میزان خطر آنان به روشن ساختن چهره آنان اقدام می‌کردند. برخی از تقسیمات امام از دشمنان، موارد زیر است:

۱- دشمن داخلی و خارجی

۲- دشمن نظامی (فیزیکی) و غیرنظامی (تبلیغی و فرهنگی)

۳- دشمن اصلی و فرعی (ابزاری و وابسته)

۴- دشمن آگاه و ناآگاه

۵- دشمن ظاهری و دشمن پنهان

۶- دشمن موزی و ساده لوح

۷- دشمن صریح و دشمن غیر صریح

امام برحسب تقسیم بندی خود از دشمن، میزان خطر و ضربه آنان را برای مستضعفین، مسلمانان جهان، ملت ایران و قشرهای خاص به تناسب موضوع (روحانی، دانشگاهی، جوانان، مسئولان، قوای نظامی و سپاه و...) گوشزد می کردند. این شیوه معرفی و شناسایی دشمن از ابتکارات آن رهبر فقید است که در مقوله دشمن شناسی روش خاصی به دست می دهد که الهام گرفته از قرآن است. امام (رحمة الله علیه) اشخاص، گروه ها و قدرتهای زیر را به عنوان دشمن معرفی می کردند:

۱- قدرتهای بزرگ و اجانب ۲- آمریکا ۳- اسرائیل ۴- مخالفان اسلام ۵- تحجرگرایان که این پنج گروه را دشمنان اصلی می دانستند. ۶- لیبرالها، ملی گرایان و نهضت آزادی ۷- روشنفکران مصنوعی ۸- روحانی نمایان ۹- اختلاف افکنان ۱۰- دانشگاه های وابسته و استادان منحرف ۱۱- سوق دهندگان به سوی چپاولگران بویژه آمریکا ۱۲- قلم به دستان مزدور ۱۳- اشخاصی که از سوء استفاده های غیر مشروع، فحشا و هرزگی منع شده اند، را دشمنان فرعی و ابزاری و بعضاً از دشمن اصلی خطرناکتر می دانستند.

مسلمانان حاضر... باید بخوبی بدانند که دشمن اصلی اسلام و قرآن کریم و پیامبر عظیم الشان (صلی الله علیه وآله) ابرقدرتها خصوصاً آمریکای ولیده فاسدش اسرائیل است... (۲۸)

همه گرفتاری ما از آمریکاست. (۲۹) آمریکا سرچشمه مصائب بزرگ مسلمین است. (۳۰) امروز اسرائیل در مقابل مسلمین ایستاده و مقابله می کند... (۳۱)

می دانیم که قدرتهای بزرگ و چپاولگر در میان جامعه ها افرادی به صورتهای مختلف از ملی گراها و روشنفکران، مصنوعی روحانی نمایان... ذخیره دارند که گاهی سی چهل سال با منشی اسلامی و مقدس مآبی پایان ایرانیم و وطن پرستی... (۳۲)

من سخت منتقدم که آنان [نهضت آزادی و گروهی که عقیده خالص و واقعی به اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه وآله) نداشتند و در اوایل انقلاب پستها و امور مهم به آنان سپرده شد] به چیزی کمتر از انحراف انقلاب از تمامی اصولش و هر حرکت به سوی آمریکای جهانخوار قناعت نمی کنند. (۳۳) خطر تحجرگرایان و مقدس نمایان احمق... کم نیست. اینها سروج اسلام آمریکایی اند. (۳۴) در نیم قرن اخیر آنچه به ایران و اسلام ضربه مهلک زده است قسمت عمده اش از

دانشگاه‌ها بوده است. (۳۵) افرادی که از استفاده‌های کلان غیرمشروع باز مانده‌اند... (۳۶)

در این قسمت، موارد اندکی از سخنان امام در شناساندن چهره دشمنان بیان شد، اما حجم عظیمی از سخنان ایشان در این مورد باقی است که فقط به ذکر نشانی برخی از آنها بسنده می‌کنیم. (۳۷)

شناخت و معرفی انگیزه و علل دشمنی

امام نه تنها در شناخت دشمن بسیار قوی و دقیق بودند بلکه از درک انگیزه‌های دشمنی آنان غافل نبودند و علل عداوت دشمنان را پیگیری می‌فرمودند و برخی از انگیزه‌ها را اصلی و برخی را فرعی می‌دانستند و به مناسبت‌های مختلف ضروری می‌دانستند که به ملت گوشزد کنند و این امر را در تکمیل دشمن‌شناسی و افشای بهتر ماهیت دشمن بسیار مؤثر می‌دانستند. برخی از علل و انگیزه‌ها که امام بر آنها انگشت می‌گذاشتند، موارد زیر است:

۱- دشمنی با اسلام ۲- حفظ اسرائیل ۳- سیلی خوردن از اسلام و جمهوری اسلامی ۴- حفظ ابرقدرتی ۵- ترس از ایجاد امید به نجات در مستضعفین ۶- ترس از صدور انقلاب اسلامی ۷- جلوگیری از استفاده‌های نامشروع و فحشا و هرزگی ۸- عدم تحمل استقلال و آزادی ملل اسلامی ۹- ترس از پیشرفت ممالک اسلامی و از دست دادن بازار مصرف و ذخایر آن ممالک.

آنان روی هم رفته اسلام را نمی‌خواهند. حتی آنهایی که ادعای اسلام می‌کنند هم حکومت اسلامی را به این وضعی که در ایران هست نمی‌خواهند. (۳۸) دشمنان چون از اسلام سیلی خورده‌اند قدم به قدم با ما مخالفت می‌کنند. (۳۹)

علت دشمنی این بود که قیام یک ملت برای اینکه از دست ظلم داخل و خارج به تنگ آمده است، بود چون قیام یک ملت در مقابل همه قدرتها بود... علت (دشمنی) این است که اگر این انقلاب در ایران ان شاء الله در ایران به ثمر برسد آنطوری که خواست اسلام است تحقق پیدا می‌کند، ناچار این انقلاب به خارج صادر می‌شود و این خطرناکی است برای قدرتهای بزرگ و وابستگان. آنها دیدند این انقلاب راه امیدی است برای مستضعفان جهان... (۴۰) ایرانی که از اول فریاد زده است که باید فلسطین را، قدس را آزاد کنیم هر روز برایش نمه‌سازی کنید. (۴۱) چون می‌خواهیم آزاد باشیم کشورهایی که در جهان مؤثرند با ما مخالفند. (۴۲) اکثر کسانی که علیه انقلاب سभाشی می‌کنند از طبقاتی هستند که جلوی استفاده نامشروع آنان گرفته شده است و یا از عیاشی‌ها و هرزگی‌ها باز مانده‌اند. (۴۳)

آنان از جمهوری صدمه ندیده‌اند از اسلام صدمه دیده‌اند. آن که تودمانی به آنان زد جمهوری اسلامی بود [لذا با اسلام و جمهوری اسلامی دشمنی می‌ورزند.] (۴۴)

استراتژی و اهداف اصلی دشمن

امام در پی معرفی دشمنان و علل و انگیزه دشمنی آنان به بیان استراتژی و اهداف اصلی آنان می‌پردازد و بر آن تأکید و آن را برای ملت افشا می‌کند. در سخنان امام، موارد زیر را می‌توان به عنوان برخی از اهداف اصلی و استراتژی دشمن از نظر آن رهبر کبیر دانست.

۱- غارت ذخایر مادی و معنوی مسلمین و ایجاد وابستگی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی آنان (۴۵)

۲- تضعیف و شکست اسلام و فرهنگ اسلام ناب و احکام آن و علمای اسلام (۴۶)

۳- عقب‌نگه‌داشتن مسلمین

۴- استعمار فکری (۴۷)

۵- تخریب ارزشهای اصیل ما و منفعل کردن مسلمین (۴۸)

۶- نابودی حیثیات ملی و مذهبی مسلمین و ملت ایران (۴۹)

۷- مایوس کردن مستضعفین و مسلمین از حکومت اسلامی

۸- جدا کردن دین از سیاست و ترویج اسلام منهای حکومت و ایجاد باور نسبت

به این تزد در عموم مسلمین (۵۰)

۹- جدا کردن مردم از روحانیت (۵۱)

۱۰- از بین بردن تفاهم دولتهای غرب و اختلاف‌افکنی بین مسلمین و جلوگیری

از تمسک به قرآن (۵۲)

لازم به ذکر است که از نظر امام برخی از این اهداف استراتژی دشمن مربوط به عموم مسلمین و تمام کشورهای اسلامی است و برخی خاص ایران و جمهوری اسلامی است. ما از گفته‌های زیاد امام که شامل بیان استراتژی دشمن است به چند کلام زیر بسنده می‌کنیم:

هدف اجانب از سرکوبی مروجین اسلام دستیابی به ذخایر مسلمین است. (۵۳)
 استعمار فکری از نقشه‌های بزرگ ابرقدرتهاست. (۵۴) تضعیف فرهنگ اسلام، علمای اسلامی پلی
 برای تأمین مقاصد استعمار بود و هست. تخریب ارزشهای اصیل و منفعل کردن مسلمین کار دشمن
 بوده است. (۵۵) شکست فرهنگ و اسلام، مأموریت اصلی شاه و آمریکا بوده و هست. (۵۶) از بین بردن
 نظام دول عرب (کشورهای اسلامی) از توطئه ابرقدرتهاست. (۵۷)

اهداف کوتاه‌مدت و روشهای دشمنان

امام بین اهداف درازمدت دشمن و اهداف کوتاه‌مدت آنان تفکیک می‌کردند و
 راه و روشهای آنان برای دستیابی به هر یک از این اهداف را مورد دقت و شناسایی
 قرار می‌دادند. امام از ابتدای نهضت در هر قدم و مرحله به درک صحیح نقشه‌ها و
 توطئه‌های آشکار و پنهان دشمن واقف می‌گردیدند و بلافاصله آن را برای مردم
 تشریح و یا به مقامات و مسئولان عرضه می‌کردند و مردم و مسئولان را به شناخت
 و درک نقشه‌ها و توطئه‌های آنان و خنثی کردن و رویارویی فرا می‌خواندند.

امام بارها تأکید داشتند که مطالعات گسترده استعمارگران در اوضاع مشرق زمین
 و اساساً شرق‌شناسی خصوصاً ایران‌شناسی، حیطة و توطئه بزرگ برای نفوذ
 قدرتهای خارجی و غارت و چپاول هر چه بیشتر بوده است (۵۸) و بیشتر برای یافتن
 راه و نقشه پیاده کردن مقاصدشان بوده و هست. آن فقید، شیوه‌های دشمن را به
 چهار روش تقسیم می‌کردند:

- ۱- هجوم تبلیغی
- ۲- هجوم فرهنگی
- ۳- هجوم موزیانه و نفوذ و رخنه
- ۴- هجوم فیزیکی و نظامی

در نظر امام، شیوه تبلیغی و فرهنگی دشمنان بسیار شکننده‌تر و خطرناک‌تر از
 شیوه‌های فیزیکی بود و در مرحله دوم شیوه نفوذ و رخنه را سهمگین‌تر و در آخر،
 نگران شیوه نظامی و فیزیکی بودند. ایشان می‌فرمایند: آمریکا با سرنیزه نمی‌آید به
 میدان شما بلکه با قلم می‌آید. (۵۹) امام اهداف و طرق فرعی دشمن را از هر کدام از

هر چهار شیوه آنان در سخنان و پیامهای خود یادآور شده‌اند.

الف) هجوم تبلیغی و تبلیغات دامنه‌دار

امام این شیوه را برای دستیابی به اهداف، مقاصد و اعمال شیوه‌های فرعی زیر ارزیابی می‌کردند:

- ۱- مایوس کردن ملتها از اسلام به دوروش موزیانه و ناشیانه (۶۰)
 - ۲- نگران کردن، مایوس ساختن، دل‌سرد نمودن، ناراضی گرداندن مردم و ملتها از جمهوری اسلامی (۶۱)
 - ۳- جلوه دادن عدم کارآمدی جمهوری اسلامی (۶۲)
 - ۴- تضعیف فرهنگ، اسلام، علمای اسلامی برای کاستن نفوذ آنان در پیشبرد مقاصد اسلام (۶۳)
 - ۵- ایجاد تفرقه و اختلاف بین صفوف مردم (۶۴)
 - ۶- نشر اکاذیب و تهمت و دروغ راجع به حکومت اسلامی (۶۵)
 - ۷- بی‌اعتماد کردن مردم نسبت به مسئولان و نظام (۶۶)
 - ۸- جوسازی علیه جمهوری اسلامی و اسلام در خارج کشور (۶۷)
- امام می‌فرمایند:
- باید از اسلحه تبلیغات آنها بیشتر ترسید. (۶۸) اکنون مورد تهاجم تبلیغاتی تمام رسانه‌های گروهی و وابسته به قدرتهای بزرگ هستیم... (۶۹) بوقهای تبلیغاتی در سراسر جهانی میلیاردها دلار خرج آن می‌کنند. (۷۰)

ب) هجوم فرهنگی و القائات فکری و فرهنگی (۷۱)

امام این هجوم و شیوه را به اهداف و مقاصد و به ثمر رساندن شیوه‌های زیر می‌دانند:

- ۱- ایجاد اختلاف بین روحانی و دانشگاهی (۷۲)
- ۲- جدا کردن مردم از روحانیت (۷۳)
- ۳- به انزوا کشیدن روحانیت (۷۴)

- ۴- القای شعار جدایی دین از سیاست و ایجاد باور در وجدان عمومی و روحانیت به آن تز (۷۵)
- ۵- ایجاد بحران هویت و خودپوچ‌انگاری و هیچ‌انگاری ملت ایران و مسلمین (۷۶)
- ۶- ویران ساختن ارزشهای اصیل و منفعل کردن مسلمین (۷۷)
- ۷- زدن ریشه دین و دینداری و سلب غیرت دینی (۷۸)

ج) نفوذ و رخنه و هجوم موزیانه

- این شیوه برای رسیدن به مقاصد و اهداف و نقشه‌های زیر است:
- دشمنان از آغاز نهضت بویژه پس از پیروزی انقلاب این شیوه را دنبال کرده و می‌کنند. امام نگرانی زیادی نسبت به این شیوه از خود نشان می‌دادند:
- ۱- نفوذ و رخنه در صفوف ملت و دوستنمایی و اظهار دلسوزی و وطن‌خواهی برای ضربه زدن در موقع مناسب (۷۹)
 - ۲- نفوذ و رخنه مفسد و مخالف اسلام در دستگاه‌های دولتی بویژه جاهای کلیدی و حساس (۸۰)
 - ۳- نفوذ در روحانیت و ضربه زدن کوتاه مدت از قبیل بار آوردن رسوایی اخلاقی و مالی و ضربه زدن دراز مدت با ساختن عالم و رجال ذی نفوذ (۸۱)
 - ۴- در دست گرفتن مراکز تعلیم و تربیت و دانشگاه‌ها (۸۲)
 - ۵- به دست گرفتن مراکز فرهنگی و مطبوعات و رادیو و تلویزیون (۸۳)
 - ۶- خیانت و ضربه زدن به نیروهای مسلح و نظامی (۸۴)
 - ۷- تشکیل احزاب و گروه‌ها و دسته‌جات و تراشیدن منابع قدرت در مقابل قدرت و حکومت (۸۵)

در این خصوص به یک کلام از امام بسنده می‌کنیم:

قدرتهای بزرگ چپاولگر در میان جامعه‌ها افرادی را به صورتهای مختلف از ملی‌گراها، روشنفکران مصنوعی، روحانی‌نمایان... ذخیره دارند که گاهی سی‌چهل سال با منشی اسلامی، مقدس‌مآبی پان ایرانیسم و وطن‌پرستی... در میان ملت زیست می‌کنند و در موقع مناسب مأموریت

خود را انجام می دهند. (۸۶)

قدرتهای بزرگ هر وقت می خواستند یک دولتی را یا یک سلطنتی را یا یک رئیس جمهوری را که بر وفق مراد آنها عمل نمی کرد از بین بردارند، در مقابل او یک قدرت دیگر می تراشیدند و با آن قدرت این قدرت را از بین می بردند. (۸۷)

د) هجوم نظامی و ایجاد ناامنی و محاصره

امام این شیوه دشمن را به روشهای زیر تقسیم می کردند و نه تنها قوای مسلح و نیروهای انتظامی را مسئول رویارویی و دفع این نوع حمله ها می دانستند بلکه همه مردم را به مقابله و خنثی کردن این نوع هجوم ها فرا می خواندند:

۱- هجوم مستقیم نظامی (۸۸)

۲- هجوم توسط ایادی داخلی و گروهکها (۸۹)

۳- ایجاد شلوغکاری و بلوا، ترور، اختلال در نظم و امنیت، ایجاد تشنج و هرج و مرج، بمبگذاری، پخش هروئین و مواد افیونی و مسکرات و دامن زدن به فحشا و منکرات (۹۰)

۴- ایجاد تنگناهای اقتصادی، سیاسی، علمی، تسلیحاتی و ...

امام و دشمن ستیزی و دفاع

امام در جریان دفاع و مبارزه با دشمنان از شروع نهضتشان تا زمان وفات، روش خاص خود را داشتند که بطور مستقل قابل بررسی و مطالعه نظریه سازی است. نکات بسیار اساسی و سیستم دفاع خاصی را برای عموم مردم، حکومت و متولیان امور و اقشار مختلف چون قوای مصلح و نظامی، قوای فرهنگی و تبلیغی، حوزه های علمیه و... سامان دادند که می تواند در دانشکده های نظامی و سیاسی، مبانی دفاع و دشمن ستیزی خاصی را به دست دهد و زمینه پژوهش وسیعی را فراهم سازد.

امام در فرایند دفاع و دشمن ستیزی خود در رویارویی با اقسام متفاوت دشمنان، اصول هجده گانه ای را بطور کلی به دست می دهند که خود در دوران مبارزه و بعد از

انقلاب بدان پایبند بودند و عمل می‌کردند و با آن اصول به پیروزیهای چشمگیری در عرصه‌های مختلف دست یافتند. بدون تردید بر اهل فن و اهل دفاع و برنامه‌ریزان این مهم، ضرورت تأمل و تحقق در اصول هیجده‌گانه دفاع و دشمن ستیزی امام پوشیده نیست.

امام در راستای به دست دادن آن اصول در فرایند دفاع و دشمن ستیزی، بحث اساسی و مؤثر دیگری نیز تحت عنوان شکست و پیروزی مطرح می‌کنند و به تعیین ماهیت پیروزی و شکست در منطق اسلام می‌پردازند که باز منحصر به اسلام و امام است. از سوی دیگر با برشمردن نتایج تلخ شکست انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی، نظام و سیستم دفاعی و مقابله خود را تکمیل می‌کنند. طرح بحث اخیر در مشارکت مردم و موفقیت آنان در دفاع و دشمن ستیزی نقش اساسی داشته است و دارد. بر ماست که برای این دو مقوله اخیر با دقت تمام تحقیق و برنامه‌ریزی کنیم و دفاع همه‌جانبه خود را به این وسیله سامان دهیم.

امام در نظام دفاعی و دشمن ستیزی خود بعد از معرفی دشمن و استراتژی و اهداف و شیوه‌های آنان، گاهی مستضعفین جهان^(۹۱) و گاهی مسلمین جهان^(۹۲) و در بیشتر مواقع ملت ایران^(۹۳) و پاره‌ای از اوقات بطور خاص گروه‌ها و اقشار معینی مانند قوای مسلح را مخاطب قرار می‌دهند و اصول هیجده‌گانه را متناسب با آنان بدانها القا، و به مبارزه و دفاع و دشمن ستیزی دعوت می‌کنند؛ به عنوان مثال، ایشان خطاب به مسلمانان جهان می‌فرمایند:

از آنجا که شما در سلطه بیگانگان گرفتار مرگ تدریجی شده‌اید باید بر وحشت از مرگ غلبه کنید و از وجود جوانان پرشور و شهادت طلبی که حاضرند خطوط جبهه کفر را بشکنند استفاده نمایید، به فکر نگه‌داشتن وضع موجود نباشید بلکه به فکر فرار از اسارت و رهایی از بردگی و یورش دشمنان اسلام باشید که عزت و حیات در سایه مبارزه است و اولین گام در مبارزه اراده است و سپس تصمیم بر اینکه سیادت کفر و شرک جهانی را بر خود حرام کنید.^(۹۴)

باز می‌فرماید:

خواهران و برادران عزیز در هر کشوری که هستید از حیثیت اسلامی و ملی خود دفاع کنید و بی‌پروا در مقابل دشمنان خود یعنی آمریکا و صهیونیسم بین‌المللی و ابرقدرتهای شرق و غرب بدون هیچ ملاحظه از ملتها و کشورهای اسلامی دفاع کنید؛ دفاع کنید و مظالم دشمنان را برملا کنید. برادران و

خواهران مسلماً آگاهید که تمام منافع مادی و معنوی همگی ما را ابرقدرتهای شرق و غرب می‌برند و ما را در فقر و وابستگی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی قرار داده‌اند. به خود آید و شخصیت اسلامی خود را دریابید و زیر بار ظلم نروید و هشیارانه نقشه‌های شرم جهانخوران بین‌المللی را که در رأس آن آمریکا است افشا کنید. (۹۵)

اصول هیجده‌گانه امام در دفاع و مبارزه با دشمن

۱- اصل تغییر در روش و تاکتیک با حفظ اصول (۹۶)

امام در مبارزه با دشمن و رسیدن به اهداف مقدس خود و انقلاب اسلامی، تغییر روش و تاکتیک برحسب اوضاع، شرایط زمان و مکان و نوع دشمن را می‌پذیرند ولی هرگز اجازه عدول از اصول و مواضع اصولی انقلاب و جمهوری اسلامی را نمی‌دهند؛ چرا که معتقدند انقلاب و اسلام برای رسیدن به آن اصول پدید آمده و علت انقلاب است و دست کشیدن از علت انقلاب برای حفظ انقلاب و جمهوری اسلامی و پیشبرد آن در واقع نابودی آن است. (۹۷)

۲- اصل عدم اعتماد به دشمن (۹۸)

امام اصل اولیه را در مقابله با دشمن و حتی در زمان صلح و مماشات با وی، عدم اعتماد به گفته‌ها، قولها، عمل و حرکات و مذاکرات آنان قرار داده بودند تا آنجا که گاهی صلاح حفظ انقلاب و جمهوری اسلامی را در عمل به خلاف توصیه‌ها و سخنان دشمنان می‌دیدند و تصمیمات خود را با کمک سخنان دشمن براساس برعکس، عمل کردن اتخاذ می‌کردند.

۳- اصل مشارکت مردم در دفاع و دفاع عمومی یا بسیج عمومی برای مبارزه (۹۹)

از مهمترین اصول امام در دفاع و مبارزه در تمام عرصه‌ها مشارکت دادن مردم در این امر خطیر و مهم بود و بر آن بسیار تأکید داشتند و به گونه‌های مختلف سعی در عمومی کردن دفاع و مبارزه داشتند و به نسل حاضر و آینده و مسئولان و رهبران آنها رعایت این اصل را توصیه و تأکید می‌کردند. یکی از رمزهای موفقیت امام رعایت این اصل بود:

در دفاع از اهداف اسلامی و دستاوردهای نهضت، بسیج باید عمومی باشد. (۱۰۰) اینجا از باب

اینکه اصل نهضت را خود ملت کرد و به ثمر رساند... چیزهایی که برضد این نهضت و برضد این انقلاب است، باز به دست خود ملت از سر راه برداشته می‌شود. (۱۰۱)

۴- اصل ایمان و اتکا به خدا و وارستگی و خودسازی در دفاع و مبارزه
این بحث بطور وسیعتر در بحث ماهیت شکست و پیروزی از نظر امام دنبال می‌شود.

۵- اصل استقلال و اتکا به نفس در دفاع و مبارزه (۱۰۲)

امام معتقد بودند که در مبارزه و دفاع هرگز نباید به انتظار کمک دیگران نشست یا چشم به کمک دیگران دوخت بلکه باید با آنچه خود داشت و با اتکا به نفس خود به مقابله و دفاع پرداخت و ابزار لازم را نیز خود تهیه و فراهم ساخت.

۶- اصل استفاده از تبلیغات در دفاع و مبارزه (۱۰۳)

امام سلاح تبلیغات را از سلاح در میدان جنگ برنده‌تر می‌دانستند و معتقد بودند باید بیشتر از آن استفاده کرد و می‌فرمودند:

امروز جهان روی تبلیغات می‌چرخد و قدرت تبلیغاتی ما بسیار ضعیف است و باید هر چه سریعتر و هر چه بیشتر آن را تقویت کرد. (۱۰۴)

۷- اصل مقابله قبل از نفوذ دشمن

امام معتقد بودند علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد و از قدم اول، راه نفوذ و ورود دشمن را گرفت و قبل از هر اقدام دشمن به مقابله او برخاست و او را دفع و رفع نمود.

۸- اصل دفاع در اولین قدم هجوم و سلب مهلت از دشمن (۱۰۵)

امام توصیه می‌کردند که به دشمن به هیچ وجه نباید مهلت داد و با احساس اولین قدم او در میدان مبارزه و به مجرد مشاهده و هجوم دشمن باید به شیوه‌های مناسب به دفع او پرداخت و این اصل در تمام عرصه‌های مبارزه دشمن اعم از نظامی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، علمی، دانشگاه و... باید رعایت شود.

نصیحت من به نسل حاضر و آینده... به مجرد اینکه فرد یا افرادی را دیدند که با گفتار یا رفتار خود درصدد است بدر نفاق بین آنان افکند او را ارشاد کنید و اگر تأثیر نکرد از او رویگردان شوید و او را به انزوا کشانید و نگذارید توطئه ریشه دواند که سرچشمه را به آسانی می‌توان گرفت. (۱۰۶) باید هوشیار و مراقب باشیم و با احساس اولین قدم نفوذی به مقابله برخیزیم و به آنان مهلت ندهید. (۱۰۷)

۹- اصل رعایت قانون، نظم، اخلاق و دید اسلامی در دفاع و مبارزه (۱۰۸)

امام هرگز به «تز هدف وسیله را توجیه می‌کند» معتقد نبودند و نه تنها خودشان بلکه مردم و ملت و قوای مسلح را در دفاع و مبارزه دعوت به رعایت قانون، نظم و اخلاق می‌کردند و مبارزه را با دید اسلامی تجویز می‌کردند و عدول از قانون و اخلاق و خارج از چهار چوبه اسلام در امر دفاع و رسیدن به مقاصد را جایز نمی‌دانستند و معتقد بودند هیچ مکتبی و نظامی مانند اسلام و نظام جمهوری اسلامی پایبند به اخلاق و موازین و قانون نیست.

۱۰- اصل بهره‌وری از عوامل روحی و روانی پیروزی در نیروهای خودی (۱۰۹)

۱۱- اصل استفاده از نقاط ضعف دشمن

۱۲- اصل منفعل کردن دشمن و به ندامت کشاندن وی (۱۱۰)

امام با شیوه بیان و طرح مسائل و افشای ماهیت و نقشه‌های آنان دشمن را منفعل می‌کرد و با بررسی نتایج معکوس نقشه‌ها و توطئه‌های آنان دشمنان را بایکوت و حیران می‌کردند و به حالت ندامت می‌کشاندند و در همین جهت می‌فرمودند:

سست کردن مبانی تحلیلی دشمن یکی از رسالت‌های مطبوعات است. (۱۱۱)

امام در اعمال این اصل است که درباره این جنگ هشت ساله فرمودند:

صدای اسلام‌خواهی آفریقا از جنگ هشت ساله ماست. علاقه به اسلام‌شناسی مردم در آمریکا و اروپا، آسیا و آفریقا... و در کل جهان از جنگ هشت ساله ماست. جنگ ما کمک به افغانستان را به دنبال داشت، جنگ ما فتح فلسطین را به دنبال خواهد داشت. جنگ موجب شد که تمامی سردمداران نظام‌های فاسد در مقابل اسلام احساس ذلت کنند، جنگ ما بیداری پاکستان و هندوستان را به دنبال داشت. تنها در جنگ بود که صنایع نظامی ما از رشد آن‌چنانی برخوردار شد و از همه اینها مهمتر استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ تحقق یافت. (۱۱۲)

۱۳- اصل به انزوا کشاندن دشمن (۱۱۳)

امام در خصوص دشمنان خصوصاً دشمنان داخلی و وابسته به منزوی کردن آنان معتقد بود؛ حتی تزه انزوا کشاندن دشمن از اهداف مهم امام درباره آمریکا و اسرائیل بود.

۱۴- اصل تحقیر، تهدید و ازرعاب دشمن (۱۱۴)

یکی از شیوه‌های ظریف و دقیق امام که بر اصول روانشناختی و جامعه‌شناختی در مقوله دشمن شناسی مبتنی بود، تحقیر و تهدید و ارباب دشمنان مختلف بود و به شکلهای مختلف خصوصاً با ارائه تحلیلهایی از ماهیت دشمنان و عملکرد جاهلانه و احمقانه آنان که به نفع ما و اسلام تمام می‌شود و با اشاره به غفلتها و جاهلیتها و نارسایی تحلیلهای دشمن به این اصل می‌پرداخت.

۱۵- اصل به کارگیری علم و تخصص در دفاع و تقویت آن
امام نه تنها بر دفاع عالمانه و بهره‌گیری از تخصص در مبارزه و دفاع تأکید می‌ورزید بلکه از ورود و اظهار نظر افراد غیرمطلع در مسائل جنگ و دفاع جلوگیری می‌کردند. (۱۱۵)

۱۶- اصل تقویت قوای مسلح و نیروی انتظامی، سپاه و بسیج
امام از هر حیث به دنبال تقویت نیروهای مسلح بودند و از تضعیف این قوا بشدت جلوگیری می‌کردند تا آنجا که اظهار یک کلمه در جهت تضعیف و شکست قدرتهای نظامی و انتظامی و پاسداران را مستقیماً برضد اسلام می‌دانستند. (۱۱۶)

۱۷- اصل طبقه‌بندی مدافعان و تقسیم وظیفه در دفاع و مبارزه
امام در مسأله دفاع و مبارزه، تقسیم‌بندی دقیق و ظریفی از اشخاص و قشرهای مختلف داشتند و وظیفه مهم هر یک را در دفاع به همان ظرفیت مشخص، و گوشزد می‌کردند. سهم اشخاص خارج از کشور، ایرانیان و غیرایرانیان، سهم مسلم و غیرمسلم از آنان، سهم ملت مقیم در داخل، دولتی‌ها، نظامی‌ها، روحانیون را بطور مجزا مشخص و به مناسبتهاى مختلف به آنان القا می‌کرد؛ اگرچه اکثراً همگی را مخاطب خود در توصیه و دستور به دفاع قرار می‌دادند. (۱۱۷)

۱۸- اصل جدی گرفتن دشمن و کوچک نشمردن او هر چند کم و ضعیف باشد و ایجاد فاصله و شکاف بین دشمنان و مشغول کردن آنان به یکدیگر. (۱۱۸)

امام همواره تأکید می‌کردند که دشمن هر چند کوچک و ضعیف را نباید کوچک و دست کم گرفت بلکه باید او را زیر نظر داشت و مواظب او بود. از سوی دیگر به دنبال تقسیم دشمنان به دشمنهای کوچکتر و ضعیفتر از طریق فاصله انداختن و

شکاف یا کاستن دشمنی آنان بود.

شکست و پیروزی در منطق اسلام

یکی از بحث‌های اساسی که امام در باب مبارزه و رویارویی و دفاع در مقابل دشمن مطرح ساخت و از ابتدای نهضت یعنی سال ۴۰ تا زمان رحلت و در وصیت‌نامه سیاسی - الهی خود به زبان آوردند، بحث پیروزی و شکست در منطق اسلام است. بدون شک دیدگاه امام و القای این دیدگاه و باور آن به وسیله مردم در خصوص موضوع شکست و پیروزی نقش بسیار زیادی در پیروزیهای امام در صحنه‌های مختلف مبارزه و همچنین پیروزیهای مردم و جمهوری اسلامی چه در جنگ هشت ساله و چه در دیگر عرصه‌های مبارزه داشته و دارد و با سلب و از دست دادن این دیدگاه، زمینه افول و شکستهای زیادی می‌تواند برای امروز و آینده انقلاب اسلامی خصوصاً در داخل فراهم آید. امام در مقوله شکست و پیروزی بطور عمده بحث کرده‌اند:

۱- ماهیت شکست و پیروزی در منطق اسلام

۲- نشانه‌های شکست و پیروزی

۳- عوامل پیروزی

۴- عوامل شکست

۵- کیفیت واکنش مردم در پیروزیهای ظاهری

۶- نتایج پیروزی نهایی یا شکست انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی در داخل و خارج، حال و آینده

۱- ماهیت شکست و پیروزی

امام در این باره می‌فرماید: در منطق اسلام اصولاً شکست معنی ندارد و هر چه هست و واقع شود پیروزی است. (۱۱۹) [چرا که هر چه نتیجه باشد عمل به تکلیف اسلامی بوده است]. باز می‌فرماید: منطق اسلام این است که اگر بکشیم، بهشت

می‌رویم، و اگر کشته بشویم، بهشت می‌رویم. این منطق شکست ندارد، منطق دنیا نیست که اگر چنانچه بمیرند، یا به جهنم می‌روند یا به جایی بدتر از جهنم اگر باشد. منطق، منطق دین است، وقتی تقوا بود و با خدا بودیم، باک نیست که مردم از ما اعراض کنند، دنیا پشت بر ما کند، باک نباید داشت برای اینکه خدا با شماست و اگر خدای نخواستہ عنایت او برداشته شود، همه عالم هم که با شما باشند فایده ندارد. (۱۲۰)

امام هر عملی و حرکتی که مبتنی بر غلبه بر نفس، طبیعت شیطان باشد یا هر مبارزه و جنگی که برای ادای تکلیف باشد و هر قدمی که به دنبال گسستن از خود و پیوستن به خدا باشد، صرف‌نظر از نتیجه که پیروزی ظاهری یا شکست ظاهر باشد، پیروزی و در غیر این صورت شکست می‌داند و آن نتیجه پیروزی ظاهری است. (۱۲۱)

۲- نشانه‌های شکست و پیروزی

امام در موارد متعددی برای مردم زمان و نسل آینده، نشانه‌های شکست و پیروزی را در منطق اسلام برشمرد و عمده‌ترین نشانه‌های شکست را دنیاگرایی و دنیاطلبی در مسئولان سطح بالای جمهوری اسلامی، دست کشیدن از اصول و آرمانها و تعریف و تمجید بیگانگان و چپاولگران خصوصاً آمریکا و میل به نزدیکی به آنان معرفی می‌کردند. (۱۲۲)

۳- عوامل پیروزی

از مطالب مورد تأکید امام، شناخت و درک و پابندی مردم، مسئولان و قشرهای مختلف جامعه بر عوامل پیروزی انقلاب و جنگ بود و آن را یک تکلیف شرعی برای مردم می‌دانستند؛ ایشان می‌فرمایند:

تکلیف است که بفهمیم چرا پیروز شدیم، اگر این چرا را فهمیدیم آن وقت باید کوشش کنیم همان را حفظ کنیم (۱۲۳) و در جای دیگر می‌فرماید: باید بفهمیم که با چه چیز پیروز شدیم و اگر ندانیم چه نیرویی بود، برای آینده خطرناک است و اگر بدانیم و اهتمام برای حفظ آن نکنیم برای آینده کشور

خطرناک است. (۱۲۴)

امام، عناصر زیر را به عنوان عوامل پیروزی معرفی کرده‌اند:

- ۱- اتکا به خدا، توجه به خدا، گسستن از خود و پیوستن به خدا و خودسازی (۱۲۵)
- ۲- در پناه اسلام و قرآن بودن و توجه به مقصد واحد (اسلام و قرآن) (۱۲۶)
- ۳- نصرت و امدادهای غیبی خداوند متعال (۱۲۷)
- ۴- ایمان قوی، قلب مطمئن، اطمینان به غیب و انگیزه‌های ایمانی و الهی (۱۲۸)
- ۵- عشق به شهادت و لقاء الله و به آغوش کشیدن مرگ (۱۲۹)
- ۶- وحدت کلمه، وحدت و انسجام یا هم بودن در سایه اسلام (۱۳۰)
- ۷- آگاهی و هوشیاری (۱۳۱)
- ۸- حفظ مساجد و روضه و سوگواری برای سیدالشهدا (ع) (۱۳۲)

۴- کیفیت واکنش مردم در پیروزیهای ظاهری

امام به چگونگی واکنش ملت و فاتحان و نیروهای نظامی و انتظامی و پاسداران بعد از پیروزیهای ظاهری چه در جریان انقلاب، چه بعد از انقلاب و چه در جنگ ۸ ساله و چه در سایر میدانهای جهاد و تلاش بسیار حساس بودند و نظر خاصی داشتند و معتقد بودند چگونگی برخورد آنان با موفقیتها و فتح ظاهری در تداوم یا از دست رفتن پیروزی و رسیدن به پیروزی نهایی و مقاصد مهمتر نقش عمده‌ای دارد. ایشان توصیه و تأکید داشتند فاتحان بعد از هر پیروزی ظاهری باید به چهار نکته توجه داشته و بدانها پایبند باشند.

- ۱- پیروزی را از خدا بدانند. (۱۳۳)
- ۲- دچار غرور و عجب نگردند. (۱۳۴)
- ۳- خود را پیروز ادراک نکرده بلکه آن را مقدمه پیروزی بعدی و رسیدن به مقاصد بالاتر دانست. (۱۳۵)
- ۴- دچار غفلت نشده و به هیچ وجه و هیچ حال بعد از پیروزی از نیرنگ دشمن

ولو ضعیف، اندک و شکست خورده غافل نشده و آمادگی لازم را تقویت و حفظ کرد. (۱۳۶)

۵- عوامل شکست

امام در پی عوامل فتح و پیروزی به عوامل شکست می‌پردازند و بر درک و شناخت و پرهیز از آنها تأکید می‌کنند و از نظری برخی از عوامل شکست، امور زیر است:

- ۱- کفران نعمت ۲- کارشکنی ۳- تضعیف یکدیگر (۱۳۷) ۴- غرور و سرباز زدن از بندگی و احساس استقلال در مقابل خداوند (۱۳۸) ۵- احساس پیروزی کامل و رسیدن به مقصد (۱۳۹) ۶- تفرقه و تشتت (۱۴۰) ۷- حرکت برای آمال دنیایی (۱۴۱) ۸- عدم آگاهی و هوشیاری و غفلت (۱۴۲) ۹- عدم خودباوری و احساس نیاز به اجانب (۱۴۳)

۶- پیامدهای شکست انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی

یکی از عوامل محرکه که امام مورد استفاده قرار می‌دادند برای ایجاد روحیه دفاع و مبارزه، طرح بحث پیامدهای شوم و وخیم شکست انقلاب و جمهوری اسلامی بود. البته باید اذعان کرد که امام صرفاً از این بحث استفاده ابزاری نمی‌کردند بلکه در حقیقت از واقع شدن چنان مصیبتی خوف داشتند. لذا بارها بدان اشاره می‌کردند خصوصاً در لحظات بحرانی مانند زمان اوجگیری تنازع و اختلافات گروه‌های داخلی. در نظر امام موارد زیر پیامد شکست انقلاب و جمهوری اسلامی خواهد بود:

- ۱- جایگزینی مأموران آمریکا به جای مسئولان کنونی (۱۴۴)
- ۲- بازگشت اسارت و سلطه اجانب (۱۴۵)
- ۳- به هدر رفتن زحمت انبیا و پیامبر اسلام (ص) (۱۴۶)
- ۴- از بین رفتن نوامیس و تمام حیثیات دینی و ملی ما (۱۴۷)

- ۵- یأس و ناامیدی مستضعفین سراسر دنیا از نجات و یأس مسلمین از اسلام و حکومت اسلامی (۱۴۸)
- ۶- شکست اسلام در دنیا برای قرون متمادی (۱۴۹)

خط قرمز در صلح و مدارا با دشمن

امام در نظامی که برای شناخت و مبارزه با دشمن ترسیم می‌کند از بحث مدارا و صلح با دشمن غافل نبود و راه صلح و مدارا با دشمن را بر ملت و مسئولان نیست و آن را براساس مقتضیات، شرایط، اوضاع و احوال برعهده مسئولان گذاشت اما برای آن محدوده و خطوط قرمزی ترسیم کرد که در اصل صلح و مدارا و روشهای اعمال آن نباید از آن محدوده خارج شد و آن خط قرمزها را پشت سر نهاد.

امام معتقد به اصولی هستند که باید در مسأله صلح و انتخاب روشهای آن و زمان آن بدان پایبند بود و چنانچه آن اصول در اصل مسأله صلح و مدارا یا در شیوه‌های اعمال آن بخواهد زیر پا قرار داده شود یا ضعیف گردد، هرگز نباید تن به صلح و گفتگو و مذاکره داد چرا که عین شکست و زوال است.

امام موارد زیر را به عنوان خط قرمز یا همان اصول لازم‌الرعايه در امر صلح و مدارا می‌دانند:

- ۱- حفظ حریم کشور (۱۵۰) گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۲- حفظ بقای احکام اسلام (۱۵۱)
- ۳- حفظ عهد خدا و سنت پیامبر (۱۵۲)
- ۴- مصلحت بقای انقلاب و جمهوری اسلامی (۱۵۳)
- ۵- حفظ استقلال و منافع کشور (۱۵۴)
- ۶- حفظ حیثیت و شرافت اسلام (۱۵۵)
- ۷- حفظ شرافت و حیثیت ملی و دینی (۱۵۶)
- ۸- عدم نزدیکی به اسرائیل (۱۵۷)
- ۹- عدم تشویق دشمن (۱۵۸)
- ۱۰- رعایت قسط و عدل و صبغه الهی (۱۵۹)

یادداشتها

- ۱- تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۴۴۳ و ج ۲، ص ۶۰
- ۲- صحیفه نورا، ج ۲۱، ص ۲۱۲
- ۳- صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۵۸ و وصیت نامه
ص ۸
- ۴- صحیفه نورا، ج ۳، ص ۲۰۰
- ۵- صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۲۰ و ج ۱۳، ص ۱۹۷
- ۶- صحیفه نورا، ج ۱۳، ص ۱۹۷ و ج ۱۶، ص ۲۱
- ۷- وصیت نامه امام، ص ۸
- ۸- صحیفه نورا، ج ۳، ص ۲۰۰
- ۹- صحیفه نورا، ج ۲، ص ۲۴۶
- ۱۰- صحیفه نورا، ج ۶، ص ۲۲۰
- ۱۱- صحیفه نورا، ج ۶، ص ۸۷
- ۱۲- صحیفه نورا، ج ۲۰، ص ۲۳۱
- ۱۳- صحیفه نورا، ج ۱۲، ص ۲۱۳
- ۱۴- صحیفه نورا، ج ۸، ص ۲۵۱
- ۱۵- وصیت نامه امام، ص ۱۴
- ۱۶- وصیت نامه امام، ص ۱۶
- ۱۷- صحیفه نورا، ج ۶، ص ۲۴۵
- ۱۸- صحیفه نورا، ج ۶، ص ۲۴۲
- ۱۹- صحیفه نورا، ج ۷، ص ۲۱۸
- ۲۰- صحیفه نورا، ج ۵، ص ۱۲۶
- ۲۱- صحیفه نورا، ج ۵، ص ۸۸
- ۲۲- صحیفه نورا، ج ۴، ص ۲۸۵
- ۲۳- صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۲۱
- ۲۴- صحیفه نورا، ج ۶، ص ۲۵۶
- ۲۵- صحیفه نورا، ج ۷، ص ۲۷
- ۲۶- صحیفه نورا، ج ۸، ص ۲۱۲ و ج ۱۰، ص ۱۶۵ و
ج ۱۱، ص ۱۲۹ و ج ۱۳، ص ۱۵۳ و ج ۱۵، ص ۹۹ و
ج ۱۲، ص ۲۰۵ و ج ۱۲، ص ۱۹۹
- ۲۷- صحیفه نورا، ج ۱۹، ص ۴۶
- ۲۸- صحیفه نورا، ج ۲، ص ۶۷
- ۲۹- صحیفه نورا، ج ۲، ص ۴۱
- ۳۰- صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۳۹
- ۳۱- وصیت نامه امام، ص ۲۰
- ۳۲- منشور روحانیت، ص ۳۳، پیام امام به
روحانیت، مورخ ۶۷/۱۲/۳
- ۳۳- منشور روحانیت، ص ۳۰، پیام امام به
روحانیت، مورخ ۶۷/۱۲/۳
- ۳۴- وصیت نامه امام، ص ۲۳
- ۳۵- وصیت نامه امام، ص ۳۳
- ۳۶- صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۲۱ و ج ۲، ص ۳۶ و
ج ۱۶، ص ۲۱ و ج ۱، ص ۶۲ و ج ۱۰، ص ۲۳۲ و ج ۱۴،
ص ۲۴۷ و منشور روحانیت ص ۳۰
- ۳۷- صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۷۵
- ۳۸- صحیفه نورا، ج ۱۱، ص ۲۳۲ و ج ۱۶، ص ۱۰
- ۳۹- صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۱۰
- ۴۰- صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۲۳
- ۴۱- صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۴۷
- ۴۲- صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۷۵
- ۴۳- صحیفه نورا، ج ۶، ص ۲۲۵
- ۴۴- صحیفه نورا، ج ۵، ص ۵۲ و ج ۲، ص ۲۴۱
- ۴۵- صحیفه نورا، ج ۱۲، ص ۱۹۲ و ج ۱۶
- ۴۶- صحیفه نورا، ج ۱۰، ص ۲۱۶
- ۴۷- صحیفه نورا، ج ۲، ص ۱۶۳
- ۴۸- صحیفه نورا، ج ۵، ص ۱۶۱
- ۴۹- صحیفه نورا، ج ۵، ص ۱۰۸ و ج ۱۰، ص ۱۵۹
- ۵۰- صحیفه نورا، ج ۳، ص ۱۱
- ۵۱- صحیفه نورا، ج ۵، ص ۱۶۷ و ج ۲، ص ۲۴۸ و
ج ۱۳، ص ۲۳
- ۵۲- صحیفه نورا، ج ۲، ص ۲۴۱
- ۵۳- صحیفه نورا، ج ۱۰، ص ۲۷۶ و ج ۲، ص ۱۶۹
- ۵۴- صحیفه نورا، ج ۲، ص ۱۶۳
- ۵۵- صحیفه نورا، ج ۲، ص ۲۵۳
- ۵۶- صحیفه نورا، ج ۲، ص ۲۲۸
- ۵۷- صحیفه نورا، ج ۲، ص ۲۵۹ و ج ۲، ص ۱۶۳ و
ج ۸، ص ۲۶
- ۵۸- صحیفه نورا، ج ۱۰، ص ۱۵۶
- ۵۹- صحیفه نورا، ج ۱۰، ص ۱۵۹
- ۶۰- صحیفه نورا، ج ۱۰، ص ۱۵۹ و وصیت نامه امام
(ره)، ص ۳۳

- ۶۱- منشور روحانیت، ص ۳۰، چاپ دانشگاه امام حسین (ع)
- ۶۲- صحیفه نورا، ج ۲، ص ۲۴۸
- ۶۳- صحیفه نورا، ج ۵، ص ۱۶۷
- ۶۴- صحیفه نورا، ج ۶، ص ۸
- ۶۵- صحیفه نورا، ج ۶، ص ۸
- ۶۶- صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۱۱
- ۶۷- صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۸۱
- ۶۸- وصیت نامه امام، ص ۲۲
- ۶۹- صحیفه نورا، ج ۶، ص ۸
- ۷۰- صحیفه نورا، ج ۱۰، ص ۲۷۶
- ۷۱- وصیت نامه امام، ص ۱۴
- ۷۲- وصیت نامه امام، ص ۱۴
- ۷۳- وصیت نامه امام، ص ۱۴
- ۷۴- صحیفه نسور، ج ۵، ص ۱۶۷ و منشور روحانیت، ص ۳۲
- ۷۵- صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۶۳ و وصیت نامه امام، ص ۱۵
- ۷۶- وصیت نامه امام
- ۷۷- وصیت نامه، ص ۱۶ و منشور روحانیت
- ۷۸- وصیت نامه امام، ص ۲۱
- ۷۹- وصیت نامه امام، ص ۲۱
- ۸۰- منشور روحانیت، ص ۲۰
- ۸۱- وصیت نامه امام، ص ۱۰
- ۸۲- وصیت نامه امام، ص ۱۰
- ۸۳- وصیت نامه امام، ص ۲۵ و صفحه نورا، ج ۵، ص ۱۵
- ۸۴- صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۳۰
- ۸۵- وصیت نامه امام، ص ۲۱
- ۸۶- صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۳۰
- ۸۷- وصیت نامه امام، ص ۲۲
- ۸۸- صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۳۷
- ۸۹- صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۳۷
- ۹۰- صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۶۷
- ۹۱- صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۱۰۷ و وصیت نامه امام، ص ۸
- ۹۲- وصیت نامه امام، ص ۳۴ و ۱۳
- ۹۳- وصیت نامه امام، ص ۳۴ و ۱۳
- ۹۴- صحیفه نورا، ج ۲۰، ص ۲۳۲
- ۹۵- صحیفه نورا، ج ۹، ص ۲۲۶
- ۹۶- صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۶۷
- ۹۷- منشور روحانیت، ص ۳۱
- ۹۸- صحیفه نورا، ج ۱، ص ۴۹
- ۹۹- صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۱۸ و ج ۱۶، ص ۳۰ و ج ۱۲، ص ۴۴ و ج ۱۵، ص ۶۰ و وصیت نامه امام، ص ۱۸
- ۱۰۰- صحیفه نورا، ج ۱۲، ص ۴۴
- ۱۰۱- صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۱۸
- ۱۰۲- صحیفه نورا، ج ۱۷، ص ۱۰۸ و ج ۱۳، ص ۳۸ و ج ۲، ص ۵۸ و ج ۱۲، ص ۴۵
- ۱۰۳- صحیفه نورا، ج ۱۵، ص ۱ و ج ۱۷، ص ۶۵
- ۱۰۴- صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۸۱ و وصیت نامه امام، ص ۹ و ج ۱۶، ص ۵۱
- ۱۰۵- صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۴۲ و وصیت نامه امام، ص ۲۳
- ۱۰۶- وصیت نامه امام، ص ۱۹ و ۲۴
- ۱۰۷- وصیت نامه امام، ص ۱۸
- ۱۰۸- وصیت نامه امام، ص ۱۴
- ۱۰۹- وصیت نامه امام، ص ۱۰ و صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۱۹ و ج ۳، ص ۲۲۱ و ج ۴، ص ۲۵ و ج ۱۳، ص ۵۹ و ج ۱۳، ص ۳۹ و ج ۱۲، ص ۵۳
- ۱۱۰- صحیفه نورا، ج ۱۳، ص ۳۸
- ۱۱۱- صحیفه نورا، ج ۲، ص ۵۸ و ج ۲، ص ۱۲۲
- ۱۱۲- صحیفه نورا، ج ۱۳، ص ۲۵۱
- ۱۱۳- منشور روحانیت
- ۱۱۴- وصیت نامه امام، ص ۱۴
- ۱۱۵- صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۴۵ و ج ۱۶، ص ۴۸ و ج ۷۴، ص ۱۲، ص ۴۲
- ۱۱۶- صحیفه نورا، ج ۱۴، ص ۲۸۱
- ۱۱۷- صحیفه نورا، ج ۱۴، ص ۲۷
- ۱۱۸- صحیفه نورا، ج ۳، ص ۲۰۷
- ۱۱۹- صحیفه نورا، ج ۶، ص ۲۴۵ و ۲۴۲

- ۱۲۰- صحیفه نورا، ج ۵، ص ۱۴۴
 ۱۲۱- صحیفه نورا، ج ۵، ص ۱۴۴
 ۱۲۲- صحیفه نورا، ج ۱۵، ص ۷۸ و ج ۱۳، ص ۲۲۴ و ج ۱۲، ص ۲۵ و ج ۱۱، ص ۷۲ و ۶۸ و ج ۷، ص ۳۶ و ج ۱۶، ص ۳۰
 ۱۲۳- صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۳۲
 ۱۲۴- صحیفه نورا، ج ۸، ص ۵۳
 ۱۲۵- صحیفه نورا، ج ۶، ص ۴۲
 ۱۲۶- صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۱۵۱ و وصیت‌نامه امام، ص ۱۲ و ج ۱۱، ص ۷۲ و ۶۸ و ج ۹، ص ۱۴ و ج ۶، ص ۲۲۴
 ۱۲۷- صحیفه نورا، ج ۶، ص ۲۲۴ و ۱۱۷ و وصیت‌نامه امام، ص ۱۲
 ۱۲۸- صحیفه نورا، ج ۷، ص ۱۳۹
 ۱۲۹- صحیفه نورا، ج ۶، ص ۴۲ و ج ۱۶، ص ۶۹
 ۱۳۰- صحیفه نورا، ج ۱۳، ص ۳۱
 ۱۳۱- صحیفه نورا، ج ۶، ص ۲۰۶
 ۱۳۲- صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۱۹۷
 ۱۳۳- صحیفه نورا، ج ۱۰، ص ۲۱۶
 ۱۳۴- صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۱۰۱
 ۱۳۵- صحیفه نورا، ج ۱۵، ص ۱۶۴
 ۱۳۶- صحیفه نورا، ج ۵، ص ۲۵۲
 ۱۳۷- صحیفه نورا، ج ۵، ص ۲۵۲ و ج ۱۶، ص ۱۰۱
 ۱۳۸- صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۱۹۷
 ۱۳۹- صحیفه نورا، ج ۱۵، ص ۱۶۴
 ۱۴۰- صحیفه نورا، ج ۵، ص ۲۵۷ و ۲۵۲
 ۱۴۱- صحیفه نورا، ج ۶، ص ۴۲
 ۱۴۲- صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۱۹۷
 ۱۴۳- صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۱۹۷
 ۱۴۴- صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۹۲
 ۱۴۵- صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۱۶۵
 ۱۴۶- صحیفه نورا، ج ۱۷، ص ۲۳۳
 ۱۴۷- صحیفه نورا، ج ۱۷، ص ۲۳۳
 ۱۴۸- صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۶۸
 ۱۴۹- صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۶۸
 ۱۵۰- صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۶۸
 ۱۵۱- ۱۵۲- صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۴۰ و ج ۱۷، ص ۴۷
 ۱۵۳- صحیفه نورا، ج ۱۵، ص ۱۳۱
 ۱۵۴- ۱۵۵- صحیفه نورا، ج ۱۷، ص ۲۷۷
 ۱۵۶- صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۱۷۳
 ۱۵۷- صحیفه نورا، ج ۱۵، ص ۱۰۸
 ۱۵۸- صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۱۹۲
 ۱۵۹- صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۷۸



پښتونستان د علومو او مطالعاتو فریښی
پرتال جامع علومو انسانی